

تبیین مدلی به منظور ارتقاء مدیریت خطر بحران با رویکرد اجتماع محور،

نمونه موردی: یکی از اجتماعات محلی تهران*

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۷
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۴/۲۵

زینب السادات مطهری** - مجتبی رفیعیان***

چکیده

بحران‌ها رویدادهایی هستند که موجب بروز اختلال در کارکرد طبیعی جامعه و دور شدن افراد و گروه‌ها از نظام برنامه‌ریزی‌شان می‌شوند. این وقایع با توجه به ماهیتشان، می‌توانند به دوطیف طبیعی و انسان‌ساخت تفکیک شوند. اغلب حوادث غیرمترقبه (بحران‌ها) اثرات منفی و ناگواری بر جوامع انسانی، محیط طبیعی و اقتصاد می‌گذارند. همواره اجتماعات محلی اولین کمک‌کنندگان به آسیب‌دیدگان بلافاصله پس از وقوع زلزله بوده‌اند. بنابراین باید به توانمندسازی هرچه بیشتر آن‌ها مبادرت ورزید. با توجه به این مهم در این پژوهش مدلی به منظور سنجش ارتباط میان مؤلفه‌های اجتماعی تاب‌آوری و مؤلفه‌های مدیریت خطرپذیری بحران ارائه شده است. بنابراین مدل بعد اجتماعی تاب‌آوری در چهار لایه فردی، گروهی، سازمانی و شبکه‌ای در اجتماع محلی تحت عنوان سرمایه اجتماعی مرتبط با بحران مفهوم‌سازی و در هر سطح به صورت مجزا دو مفهوم ادراک خطر^۱ و مهارت‌های مقابله با آن بررسی شد. در سطح فردی نیز نوع دوستی، مشارکت و تعاون، اعتماد، باورها و ارزش‌های دینی و تعلق به محله مورد ارزیابی قرار گرفت. در سطح گروهی فرآیندهای شکل‌گیری و مدیریت گروه‌های داوطلب واکنش اضطراری محله و در سطح سازمانی عملکرد نهادهای محلی بررسی شد. در سطح چهارم به مفهوم شبکه‌های اجتماعی محله توجه و مواردی مانند شبکه همسایگان، دوستان، خویشاوندان، بسیج، مساجد و هیأت‌های مذهبی در تحلیل مدنظر قرار گرفت. توجه به مؤلفه‌های مذکور در هر لایه برای افزایش تاب‌آوری اجتماع در برابر بحران ضروری است. در نهایت با طراحی چهار پرسشنامه متناسب با سطوح چهارگانه، در یکی از محله‌های منطقه ۲۰ شهر تهران داده‌های مورد نیاز برای تحلیل کمی فراهم شد. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی و روش همبستگی است که ابزار اصلی مورد استفاده مطالعه ادبیات نظری، پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد. به طور کلی می‌توان گفت میان میزان سرمایه اجتماعی مرتبط با بحران در سطوح چهارگانه اجتماع محلی و مؤلفه‌های مدیریت خطرپذیری بحران در سطوح مختلف رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت خطرپذیری بحران، سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری، اجتماع محلی.

* این مقاله برگرفته از بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «بررسی اثربخشی رویکرد اجتماع محور در مدیریت بحران نواحی شهری (مطالعه موردی محله دیلمان منطقه ۲۰ تهران)» با راهنمایی جناب آقای دکتر مجتبی رفیعیان و مشاوره جناب آقای دکتر شریف مطوف در گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد.

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: zsmotahari@gmail.com

*** دانشیار شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

شهر به عنوان یک سرمایه تمدنی، بین نسلی که تلاش‌ها و منابع وسیعی از یک ملت را در فرآیند شکل‌گیری و توسعه به خود اختصاص می‌دهد، بدون توجه به بلایای طبیعی و مخاطرات نمی‌تواند در مسیر صحیح توسعه پایدار قرار گیرد. عدم توجه به این واقعیت مهم را شاید بتوان مهم‌ترین غفلت راهبردی در برنامه‌ریزی شهری قلمداد کرد. به همین خاطر در دهه‌های اخیر که انباشت سرمایه‌های انسانی و اقتصادی در شهرها افزایش چشمگیری یافته، مدیریت خطرپذیری بلایای طبیعی، به موضوعی جدی تبدیل شده است.

تجارب حاصل از بحران‌های گذشته نشان می‌دهد که انجام عملیات واکنش اضطراری مقابله با بحران، به تنهایی از عهده دولت‌ها خارج بوده و برای انجام عملیات موفق امداد و نجات و کاهش خسارات و تلفات توسط نهادهای مسئول، مشارکت فردی و گروه‌الزامی و در خروج موفق از بحران بسیار مؤثر است. ضرورت توجه به این موضوع باعث شکل‌گیری و تقویت رویکردهای اجتماع محوری در مدیریت بحران و بلایای طبیعی و غیرطبیعی شده است. شیوه‌های مدیریت بحران اجتماع محور، نقایص مدیریت از بالا به پایین در طرح‌های توسعه و مدیریت بحران را که با شکست روبه‌رو می‌شوند، و عدم استفاده از منابع و ظرفیت‌های بالقوه محلی که ممکن است آسیب‌پذیری افراد را افزایش دهند، اصلاح کرده و با نوعی نگاه یکپارچه همکاری میان بخش دولتی مسئول در زمینه برنامه‌ریزی کاربری اراضی، برنامه‌ریزی توسعه، برنامه‌ریزی زیست‌محیطی و کشاورزی و همچنین آموزش را برای مدیریت بحران همسو می‌کند. اساس این رویکرد تمرکززدایی از راهبردهای برنامه‌ریزی در زمینه خطرپذیری بحران است که منجر به توانمندی جوامع شده و پنجره‌ای به سمت مشارکت محلی می‌گشاید.

اجتماع محوری باید منجر به افزایش تاب‌آوری و برگشت‌پذیری جامعه شود. مفهوم تاب‌آوری در ابعاد کالبدی و اجتماعی شهر تنیده شده است. با توجه به محدودیت رویکردهای کالبدی در کوتاه مدت و هزینه سنگین آن‌ها پرداختن به رویکردهای اجتماع محور در شهرهایی مثل تهران ضرورت دارد. در همین راستا سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران از سال ۱۳۸۴ پروژه‌ای تحت عنوان دوام (داوطلبین واکنش اضطراری محله‌ها) را در مناطقی از جمله منطقه ۲۰ طراحی و اجرا کرده است.

مفهوم برنامه‌ریزی محله مبنای مبتنی بر مهندسی اجتماع بوده و به جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی، به مقیاس محلی و خرد می‌پردازد. در واقع این الگو در پی شناخت ویژگی‌ها و توانایی‌های محله‌های شهری است که توسط فرضیات قراردادی کلان و بزرگ مقیاس، پنهان یا فراموش شده‌اند.

در این پژوهش با تأکید بر مفهوم اجتماع محلی و استفاده از پتانسیل‌های محلی در مدیریت خطرپذیری بحران در کشور، برنامه‌ریزی موفق در اجرای طرح‌های اجتماع محور و ظرفیت‌سازی از سوی نهادهای شهری به منظور مدیریت خطرپذیری بحران، چارچوبی تحلیلی برای بررسی بعد اجتماعی تاب‌آوری ارائه شده است. هدف این پژوهش ضمن شناسایی مؤلفه‌های نظری و کاربردی اجتماع محور، استفاده و بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری این رویکرد در کاهش اثرات ناشی از مخاطرات طبیعی احتمالی در سطح نواحی شهری می‌باشد.

۱- مبانی نظری پژوهش

۱-۱- حرکت از آسیب‌پذیری^۲ به تاب‌آوری^۳

برای دست پیدا کردن به چارچوب نظری مناسب در مدیریت بحران زلزله، باید بین دو دیدگاه آسیب‌پذیری در مدیریت بحران‌ها و دیدگاه جامع‌تری تحت عنوان تاب‌آوری تفکیک قائل شد. در دیدگاه آسیب‌پذیری، نقطه آغاز تحلیل، منشاء تهدید و خطرپذیری و سپس فهم خصوصیات ذاتی سیستم‌های اجتماعی است که در واقع پتانسیل صدمه و آسیب در آن‌ها وجود دارد. پس از تشخیص و پیش‌بینی میزان حساسیت سیستم و نیازهای آن قبل از حادثه، سعی می‌شود از راه حل‌ها و ابزارهای دفاعی مناسب، برای کاهش اثرات و خطرات عوامل تهدیدزا استفاده شود. این رویکرد که در برنامه‌ریزی مقابله با بحران غالب می‌باشد، عمدتاً بر راه حل‌ها کالبدی نظیر مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها و ساختمان‌ها، توسعه و تست‌های منظم سیستم‌های هشدار و نقشه برای تخلیه کردن و اعمالی از این قبیل برای افزایش آمادگی پیشگیرانه خطر و تخریب تأکید می‌شود؛ تا پیش از وقوع بلا به منظور کاهش و به حداقل رساندن تلفات و خسارات، آمادگی لازم ایجاد شود. این دیدگاه بر آموزش به مردم و مسئولین نیز تأکید دارد.

در دیدگاه تاب‌آوری، برخلاف دیدگاه آسیب‌پذیری که بر نگاه‌های بیرون به درون سیستم تأکید دارد، توجه به درون سیستم و قابلیت بازآفرینی آن، سازوکارهای یادگیری، یکپارچگی اجزاء و سایر ویژگی‌هایی که انطباق‌پذیری سیستم را با هر گونه تغییرات و شوک‌های محیطی افزایش می‌دهد، تأکید می‌شود. بنابراین تاب‌آوری از طریق بهبود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سیستم، اغتشاش و تأثیرات را به خود جذب کرده و بازگشت به حالت قبل از اغتشاش را برای سیستم تسهیل می‌کند (Cutter et al., 2008). بنابراین تاب‌آوری نه تنها بر راه حل‌های کالبدی نظیر زیرساخت‌ها و ساختمان‌ها بلکه

با نگاهی وسیع بر قابلیت سازی در سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و سازمانی شهر تأکید فراوان دارد. در این دیدگاه به موضوع مشارکت مردمی و توسعه اجتماعی عمیق تر و جدی تر نگرین شده است.

جدول ۱: تغییر در راهبردهای مدیریت بحران

تغییر نگاه از ...	به
آسیب‌پذیری	تاب آوری
واکنش‌پذیری	بازدارندگی
تک‌عاملی (دولت محوری)	مشارکت
شاخه‌ای از علم	رویکرد چند رشته‌ای
مدیریت پاسخ‌های فوری	مدیریت مخاطرات پیش‌رو
برنامه‌ریزی برای جامعه	برنامه‌ریزی با جامعه
ارتباط و اطلاع‌رسانی به جامعه	ارتباط و اطلاع‌رسانی با جامعه

(Motahari, 2011, p. 23)

حوزه مطالعه این پژوهش منطقه ۲۰ شهرداری تهران است همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده، نگاه‌ها و راهبردهای مدیریت بحران در حال رشد و تکامل است. همانطور که در ادامه خواهد آمد نگاه به مدیریت آسیب‌های ناشی از بحران، نمی‌تواند رویکرد کاملی برای مقابله با چالش‌های بحران باشد و به همین منظور امروزه بر تاب آوری و برگشت‌پذیری جوامع که مفهومی غنی‌تر و دربردارنده راهکارهای اثربخش‌تری است، تأکید می‌شود.

شایان ذکر است، در این تغییر و تکامل دیدگاه نسبت به مدیریت بحران، نگاه دولت‌گرا و تمرکزگرا سعی دارد به تدوین و پیاده‌سازی راهبردها از بالا به پایین اقدام کند و جای خود را به نگاه اجتماع محور و متکی بر جلب مشارکت‌های مردمی و اجتماعی بدهد. رویکرد از بالا به پایین ضمن اینکه در خود هزینه‌های زیادی را به دولت و جامعه تحمیل می‌کند، از اثربخشی کافی نیز برخوردار نیست. لذا باید ضمن برنامه‌ریزی متمرکز برای مقابله با خطرات بحران، رویکردهای از پایین به بالا به طور جدی در دستور کار قرار گیرد.

جوامع تاب‌آور در مقابل بلایا و مخاطرات، آسیب‌پذیری کمتری دارند. برای این فرض معتبر و مفید آگاهی از اینکه تاب آوری چطور مشخص می‌شود، سنجیده می‌شود، ارتقاء می‌یابد، محافظت می‌شود و افزایش می‌یابد، ضروری است. این منطقه به علت دارا بودن بافت مذهبی و قدیمی از سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی بالاتری نسبت به سایر مناطق برخوردار است. از طرف دیگر به دلیل احاطه شدن کل منطقه در گسل شمال و جنوب ری و وضعیت معیشتی و اقتصادی نسبتاً پایین، از وضعیت ساخت و ساز نامناسبی برخوردار بوده و در نتیجه آسیب‌پذیری نسبتاً بالایی در برابر زلزله دارد. به همین دلیل این منطقه نمونه مناسبی برای مطالعه اثربخشی رویکردهای مدیریت بحران اجتماع محور می‌باشد.

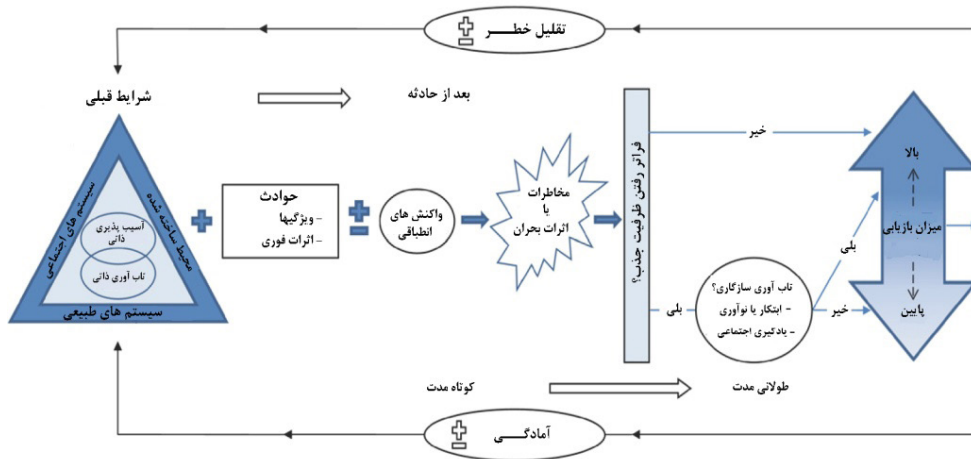
جدول ۲: مقایسه تطبیقی بین آسیب پذیری و تاب آوری

تاب آوری	آسیب پذیری
برگشت	مقاومت
مقید به زمان	مقید به نیرو ^۴
بازگشت	ایمنی
تطبیق	کاهش اثر
اجتماع محور	نهادی
شبکه	سیستم
فرهنگ	مهندسی
تحلیل ظرفیت و آسیب پذیری	ارزیابی خطرپذیری
فرآیند	نتیجه
نهاد	استاندارد

(Manyena, 2006, p. 445)

ماهیت چندبعدی و چندلایه‌ای تاب آوری و اجزاء و ابعاد مختلف آن، همواره این سؤال را پیش روی ما قرار می‌دهد که چه چیزی منجر به تاب آوری در سیستم‌های محیطی- انسانی شده و یا چه متغیرهایی برای سنجش آن استفاده شود؟ به همین خاطر هنوز مدل گسترده‌ای که به لحاظ تجربی سطح تاب آوری جامعه را نشان دهد، توسعه داده نشده است.

شکل ۱: مدل مکانی تاب آوری در برابر سوانح (DROP)



(Cutter et al., 2008, p. 602)

به عنوان مثال مدل مکانی تاب‌آوری در برابر سوانح (DROP) کاتر بر تاب‌آوری در سطح اجتماع، متمرکز است. لذا آن را از مدل‌های ایجاد شده جهت ارزیابی تاب‌آوری در سطوح خرد و کلان یا مدل‌های مبتنی بر بخش‌های مختلف، متمایز می‌کند. کانون اصلی این مدل بر تاب‌آوری آوری اجتماعی مکان‌ها بوده و نمی‌توان آن‌ها را از فرآیندهای اجتماعی جدا کرد. این مدل، تاب‌آوری را به عنوان شرط پیش‌بینی شده یا ذاتی و یا یک فرآیند نشان می‌دهد. شرایط پیش‌بینی شده را می‌توان تصاویری در زمان و یا یک وضعیت ایستا دانست. اما فرآیندهای پس از حادثه، باعث می‌شوند این مفهوم سازی دینامیک باشند (شکل ۱).

جوامع تاب‌آور توانایی یا ظرفیت اجتماعی بالایی در برآورد، آمادگی، پاسخگویی و بهبود سریع دارند. عمده این توانایی‌ها در ویژگی‌های اجتماعی این جوامع نهفته است (Mayunga, 2007, p. 4). اجتماع تاب‌آور جامعه‌ای است که توانایی تحمل شوک‌ها و ضربه‌های وارده از یک خطر را به گونه‌ای که آن خطرها تبدیل به سوانح نشوند را داشته باشد. در عین حال که توانایی یا ظرفیت برگشت به حالت عادی، درحین و پس از سانحه و هم‌چنین امکان و فرصت برای تغییر و سازگاری پس از سوانح را نیز دارا باشد (Davis & Izadkhah, 2006, p. 12).

در این پژوهش با تأکید بر ابعاد اجتماعی تاب‌آوری، به مفهوم اجتماع محلی و ظرفیت‌سازی آن پرداخته شده و سپس مروری بر مفهوم مدیریت خطرپذیری اجتماع محور به عنوان رویکردی که گرایش‌های رویکرد تاب‌آوری در آن بسیار پررنگ است، انجام خواهد شد.

۲-۱- اجتماع محلی^۵

یک اجتماع محلی، حوزه جغرافیایی مشخص با مرزهای محدودی است که افراد در آن همدیگر را می‌شناسند، نیازهای مشترکشان را شناسایی کرده‌اند، منابع مشترکشان را شناسایی کردند و برای رفع نیازهای مشترکشان اهدافی مشترک طراحی کرده‌اند؛ در نتیجه برای دستیابی به اهداف مشترکشان برنامه‌ریزی کرده و فعالیت‌هایی را پیش‌بینی نموده‌اند و در اجرا نیز با هم همکاری می‌کنند.

یکی از خصوصیات مهم «اجتماع محلی» این است که مقیاس بسیار خوبی برای برنامه‌ریزی کیفی محسوب می‌شود. چرا که در آن تضاد منافع میان فرد و جمع و میان انسان و طبیعت کمتر است. بنابراین امکانات توسعه پایدار در آن بیشتر خواهد بود. علل این امر را می‌توان در قالب موارد زیر تبیین نمود:

اول: از بعد اجتماعی، در مقیاس اجتماع محلی امکانات بیشتری برای آزادی عمل، انتخاب و برابری شهروندان وجود دارد. دوم: از بعد فرهنگی، در اجتماع محلی امکانات حفظ هویت فرهنگی و تأمین نیازهای عاطفی و روانی فراهم‌تر است. سوم: از بعد اقتصادی، در اجتماع محلی نقش مسلط عوامل اقتصادی و روابط پولی کاهش می‌یابد و ارزش‌های اخلاقی و مناسبات همیاری اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. چهارم: از بعد زیست‌محیطی، امکانات و علاقه به حفاظت منابع و ارزش‌ها در اجتماع محلی بیشتر است. در همین زمینه «جان فریدمن» معتقد است، در مورد فضای برنامه‌ریزی باید فضای محلی و منطقه‌ای را بر فضای ملی و فراملی مقدم داشت. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که «اجتماع^۶» یا «جامعه محلی» مناسب‌ترین بستر برای توسعه محلی (محلّه‌ای^۷) و به ویژه توسعه پایدار می‌باشد.

۳-۱- ظرفیت‌سازی

ظرفیت‌سازی را می‌توان ایجاد و تقویت قابلیت‌های فرد، سازمان یا سیستم برای نیل به اهدافی خاص یا ایفای نقشی ویژه به صورت پایدار و کارآمد دانست (Ahmadzadeh Nanva, 2008, p. 13). ظرفیت‌سازی تفویض اختیار، جهت برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها است. به همین خاطر در درون خود به نوعی جابجایی و بازتنظیم مناسبات قدرت مؤثر را به همراه دارد. برای جاری‌سازی این رویکرد توجه به ذهنیت دولت در رابطه با قدرت و اختیار بسیار مهم است. البته دولت امروزه از تأثیر این مفهوم در افزایش کارایی، شدت اثربخشی و تضمین پایداری توسعه آگاه شده است (Wakely, 2008, p. 4). بدین ترتیب ظرفیت‌سازی نوآوری‌های توسعه محلّه‌ای به کارآمدی موسسات نهادی محلّه‌ای و همچنین به کارایی شهرداری و سایر سازمان‌های عمومی در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان کمک کرده و در نتیجه به توسعه کارآمدی پایدار منجر خواهد شد (Pirbabaie, 2004, p. 18).

ظرفیت‌سازی، متکی به منابع درونی جوامع محلی و تقویت قابلیت‌ها و امکانات موجود است. تلاش‌های ظرفیت‌سازی باید شامل موارد زیر باشد:

- توانمندسازی اشخاص و گروه‌ها در جوامع
- رشد مهارت، دانش و اعتماد به نفس
- بالابردن روابط و پیوستگی‌های اجتماعی
- دربرگرفتن اجتماع
- شنیدن صدای اجتماع
- پذیرش برنامه‌های ظرفیت‌سازی توسط اجتماع زیرا اعضای اجتماع در کمک به رشد خود دخیل هستند.

اگر با توجه به گروه های هدف خود به مقوله توانمندسازی نگریسته شود، سه سطح را می توان شناسایی کرد. برای نیل به اثرات ظرفیت سازی باید هر سه جنبه توسعه منابع انسانی، توسعه نهادی و توسعه سازمانی را مدنظر قرار داد.

- توانمندسازی مردم (اجتماع و محیط)

- سطوح سازمانی (توانمندسازی سازمان های غیردولتی و سازمان های جامعه ی مدنی)

- سطح نهادی (مثلاً توانمندسازی شبکه هایی که به عنوان شبکه ی اطلاعاتی عمل می کنند)

توانمندسازی، ظرفیت سازی و نهادسازی اجتماع محلی سه مؤلفه مفهوم اجتماع محوری است که می تواند در کاهش پیامدهای حاصل از حوادث و فجایع تأثیر به سزایی داشته باشد. از این رو مدیریت ریسک بحران اجتماع محور (CBDRM) که دربرگیرنده مؤلفه های اجتماع محوری است تأثیر به سزایی در کاهش آسیب پذیری و افزایش پایداری و تاب آوری شهرها خواهد داشت.

۴-۱- مفهوم مدیریت خطر بحران اجتماع محور

مدیریت خطر بحران اجتماع محور به عنوان روشی نوین در مدیریت بحران به منظور مشارکت تمام اقشار جامعه به کار می رود و از رویکردهای نوین در زمینه مخاطرات می باشد. که به علت اینکه دربرگیرنده مؤلفه های اجتماع محوری است، تأثیر بسزایی در کاهش آسیب پذیری و در نتیجه ارتقاء و افزایش پایداری شهرها دارند.

بنابراین شناسایی مؤلفه های نظری و کاربردی CBDRM و استفاده و بهره گیری از چارچوب های نظری این رویکرد در کاهش اثرات ناشی از مخاطرات طبیعی احتمالی در سطح نواحی شهری و ارتقاء پایداری شهری مؤثر می باشد.

مدیریت خطر بحران اجتماع محور، فرآیندی است که در آن اجتماعات در معرض خطر برای شناسایی، تحلیل، اجرا، بازنگری و ارزیابی خطر بحران به منظور کاهش آسیب پذیری ها و افزایش ظرفیت ها، به طور فعالانه ای شرکت می نماید. این بدان معناست که مردم در مرکز و قلب تصمیم سازی و اجرای فعالیت های مدیریت خطر بحران می باشند. مشارکت اکثر مردم آسیب پذیر در مقابل بحران در این فرآیند ضروری و حمایت و پشتیبانی از کمترین آسیب پذیران نیز ضروری می باشد. در این فرآیند دولت ملی و محلی مشارکت داشته و حامی جریان می باشند (Aberquez, 2006, p. 9).

مدل اجتماع محور، یک رویکرد مدیریتی پایین به بالا است که به مشارکت مردم در حل بحران های ناشی از وقوع سوانح طبیعی توجه دارد. در واقع هدف از آن کاهش آسیب پذیری جوامع و تقویت توانایی ها و مشارکت مردم برای مقابله با خطرات ناشی از وقوع سوانح طبیعی است (Yodmani, 2000, p 8). در این رویکرد اجتماعات محلی تاب آور به عنوان جوامعی که توانایی عمل و مشارکت دارند در نظر گرفته شوند نه جوامعی که باید به آن ها کمک کرد و یا اینکه آنان ناتوان هستند. از این رو، این رویکرد از همکاری اجتماع محلی و مشارکت محلی در فرایند مدیریت سوانح استقبال می کند (Buckle, 2000, p. 9).

نظریه مدیریت خطر بحران اجتماع محور به نگرشی مردم مدار و توسعه محور تکیه دارد. این نگرش به بحران به عنوان یک پوشش آسیب پذیری مردم اشاره کرده و به مردم اختیار شناسایی علل آسیب پذیری را با تغییر ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، جوامع نابرابر و توسعه نیافته را می دهد. این فرآیند جلوگیری، تعقیب، آمادگی، واکنش اضطراری و بازیابی از بحران را پوشش می دهد.

مدیریت خطر بحران اجتماع محور، ارزیابی و بازنگری خدمات کاهش خطر که در سطح محلی به وقوع می پیوندد را محقق می سازند. این مهم پتانسیل بالایی برای مدیریت و مالکیت عمومی پروژه های کاهش خطر داشته و حمایت عمومی از آن ها را محقق می سازد. که در نتیجه منجر به ارتقاء امکان پایداری پروژه ها خواهد شد.

به طور کلی باید خاطر نشان کرد که مدیریت خطر بحران اجتماع محور، چهارچوبی برای مشارکت مردم و گروه های آسیب پذیر در مقابل بحران در برنامه ریزی و اجرای اقدامات آن به موازات نهادهای ملی، استانی و محلی فراهم می آورد (Aberquez, 2006, p. 12). در این نگرش کاهش خطر بحران یک هدف است و راهبرد اصلی آن ارتقاء ظرفیت ها و منابع گروه های آسیب پذیر اجتماع و کاهش آسیب پذیری آن ها در مقابله با بحران های آینده می باشد (Ibid, p. 14).

شکل ۲: گروه‌ها و ارکان مدیریت خطر بحران اجتماع محور

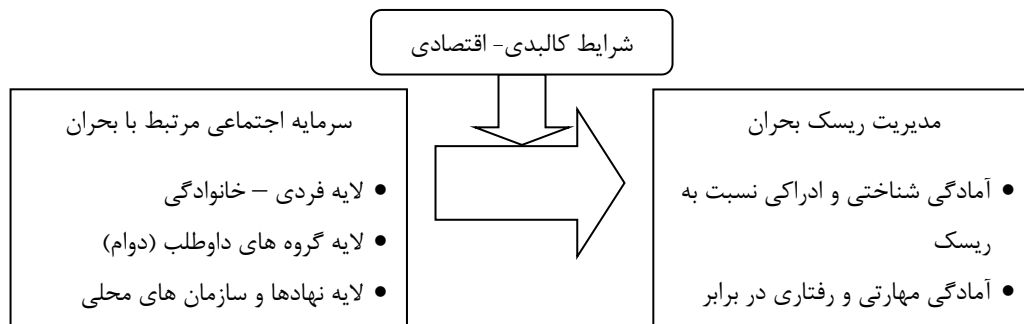


۲. چارچوب تحلیلی تحقیق

هدف این پژوهش ارائه چارچوبی برای شناسایی و تحلیل بعد اجتماعی تاب‌آوری جهت رویارویی با بلایا است. این الگو با تأکید بر مفهوم اجتماع محوری تاب‌آوری اجتماعی را در چهار لایه مورد بررسی قرار داده و تأثیر آن‌ها را بر مؤلفه‌های مدیریت ریسک بحران مورد آزمون قرار می‌دهد.

در این پژوهش بعد اجتماعی تاب‌آوری در چهار لایه فردی، گروهی، سازمانی و شبکه‌ای مفهوم سازی و در هر سطح به صورت مجزا دو مفهوم ادراک ریسک و مهارت‌های مقابله با آن مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مطالعات نظری صورت گرفته به منظور افزایش تاب‌آوری، مؤلفه‌های زیر در هر سطح باید مورد ارزیابی قرار گیرند. در سطح فردی نوع دوستی، مشارکت و تعاون، اعتماد، باورها و ارزش‌های دینی و تعلق به محله مورد ارزیابی قرار گرفت. در سطح گروهی فرآیندهای شکل‌گیری و مدیریت گروه‌های داوطلب واکنش اضطراری محله و در سطح سازمانی عملکرد نهادهای محلی با محوریت مساجد بررسی شد. سطح چهارم به مفهوم شبکه‌های اجتماعی محله پرداخت و آن را در بسترهایی مانند شبکه همسایگان، دوستان، خویشاوندان، بسیج، مساجد و هیأت‌های مذهبی تحلیل کرد. بنا بر مدل تحلیلی این پژوهش غلبه و هضم تأثیرات زلزله وابسته به قدرت یادگیری مدیریت ریسک در هر یک از سطوح است. برای ارتقاء، محافظت و افزایش تاب‌آوری توجه به مؤلفه‌های ذکر شده در هر سطح برای ظرفیت‌سازی ضروری است. مؤلفه‌های مربوط به هر لایه عملکرد اجتماعی را در دوره غیر بحران مد نظر قرار داده و مؤلفه‌های مربوط به مدیریت ریسک، قابلیت پاسخگویی و کاهش آسیب‌پذیری را در دوره بحران مورد سنجش قرار می‌دهند.

نمودار ۱: مدل تحلیلی پژوهش



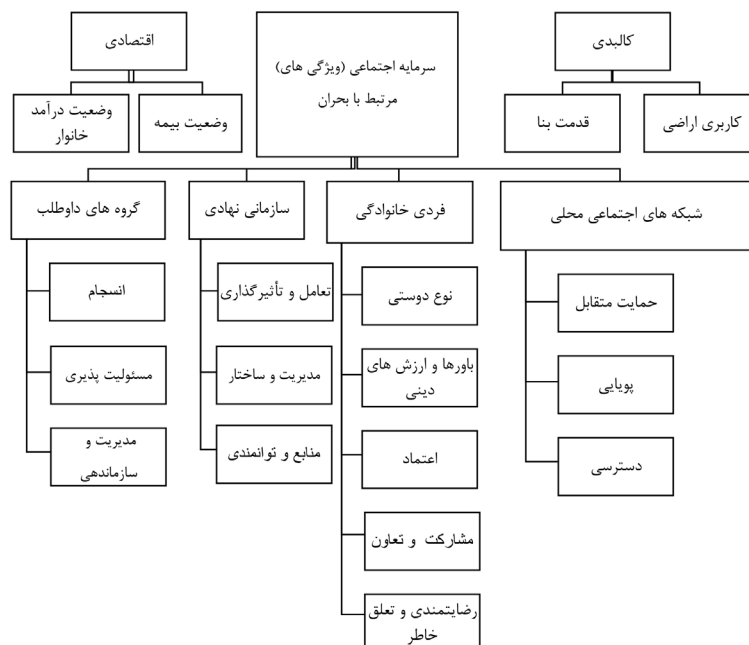
با عملیاتی کردن مؤلفه‌های این مدل میزان تأثیرگذاری عوامل اجتماعی بر بهبود فرآیندهای مقابله با بلایای طبیعی در مقیاس محلی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. شایان ذکر است که به بررسی عوامل اقتصادی و کالبدی نیز پرداخته شده است اما نقطه اتکاء اصلی تحقیق بررسی اثر بعداجتماعی در فرآیند مدیریت ریسک بحران می‌باشد. فرضیه‌های متخذ از این مدل عبارتند از:

- ۱- بین ویژگی‌های لایه فردی- خانوادگی با مؤلفه‌های مدیریت ریسک ناشی از بلایای طبیعی (زلزله) در محدوده مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین ویژگی‌های گروه‌های داوطلب با مؤلفه‌های مدیریت ریسک ناشی از بلایای طبیعی (زلزله) در محدوده مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳- بین ویژگی‌های نهادهای محلی با مؤلفه‌های مدیریت ریسک ناشی از بلایای طبیعی (زلزله) در محدوده مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی محله با مؤلفه‌های مدیریت ریسک ناشی از بلایای طبیعی (زلزله) در محدوده مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۳: ماتریس تحلیلی مدیریت ریسک بحران اجتماع محور

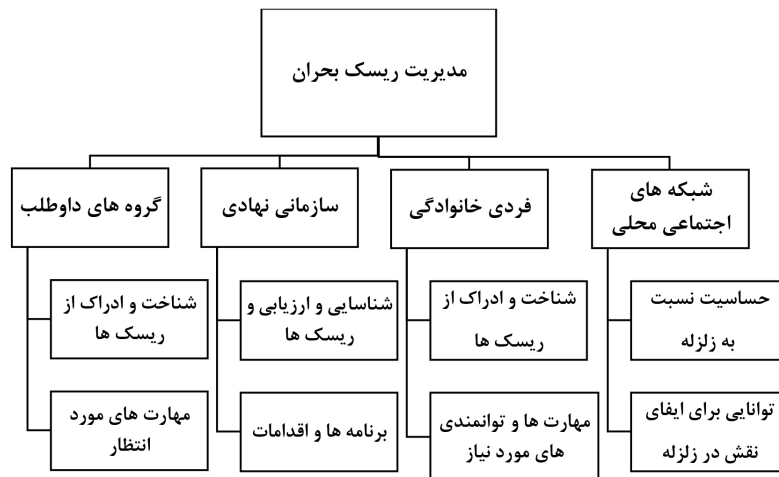
آمادگی، مهارت‌ها و اقدامات	شناخت و ادراک از ریسک	مؤلفه‌های مدیریت ریسک بحران
		سطوح سرمایه اجتماعی مرتبط با بحران
		فردی- خانوادگی
		نهادی- سازمانی
		گروه دوام
		شبکه اجتماعی

نمودار ۲: شاخص‌های مربوط به سرمایه اجتماعی و ویژگی‌های مرتبط با بحران و عوامل مؤثر بر آن



همچنین در مورد متغیرهای جمعیت شناختی نظیر سن، جنس، میزان تحصیلات، شاخص های اقتصادی نظیر میزان درآمد خانوار، وضعیت بیمه، نحوه تصرف مسکن و شاخص های کالبدی از جمله قدمت بنا و دیگر سؤالاتی چون مدت سکونت در محله دیلمان- از منطقه ۲۰ شهرداری تهران - نیز در پرسشنامه مورد سوال قرار گرفته است.

نمودار ۳. مؤلفه های مدیریت ریسک بحران (ادراکی و رفتاری)



۳. روش تحقیق و تحلیل داده ها

پس از مشخص شدن مدل پژوهش و شاخص های آن به تحلیل جامعه آماری و توزیع اولیه پرسشنامه ها در چهار سطح پرداخته شد. ۲۰۰ پرسشنامه در سطح فردی از روش نمونه گیری خوشه ای در سطح محله، ۶۰ پرسشنامه بین تمامی اعضای گروه دوام محله توزیع شد. نمونه گیری از بسیج و هیأت امناء مساجد محله و کارکنان شهرداری منطقه به منظور سنجش شاخص@های مرتبط با سطح شبکه اجتماعی و سازمانی- نهادی در محدوده مطالعات میدانی پرسشگری در قالب پرسشنامه های مجزا انجام پذیرفت. سپس پرسشنامه ها تصحیح شده و نهایتاً توزیع نهایی انجام شد. آن گاه داده های خام بدست آمده دسته بندی و با استفاده از نرم افزارهای SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ادامه نتایج توصیفی- تحلیلی آمار به دست آمده و به تفکیک هر بخش موضوعی و روش های استفاده شده برای آن آورده شده اند. دامنه عددی شاخص ها از ۱ تا ۵ است. در این دامنه ۱ نشان دهنده کمترین و ۵ نشان دهنده بیشترین میزان شاخص مربوطه می باشد.

پس از سنجش صحت و روایی سؤالات پرسشنامه، به اثبات فرضیات پژوهش و سپس سنجش میزان سرمایه اجتماعی مرتبط با بحران و مؤلفه های مدیریت ریسک بحران که ادراک ریسک و قابلیت های رفتاری را شامل می شود پرداخته شد. آزمون آلفای کرونباخ برای تعیین میزان روایی سؤالات پرسشنامه انجام گرفت (برای هر ۴ پرسشنامه) و صحت و اعتبار سؤالات نیز با انجام مطالعات و رایزنی و ارزیابی اساتید و صاحب نظران مورد سنجش قرار گرفت.

جدول ۴: ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده به تفکیک پرسشنامه ها

ضریب آلفای کرونباخ	پرسشنامه
۰/۷۳۵	فردی - خانوادگی
۰/۸۳۰	سطح گروهی
۰/۸۱۳	سازمانی - نهادی
۰/۸۱۵	شبکه اجتماعی

جدول ۵: ضرایب بتای شاخص های سرمایه اجتماعی در سطوح چهارگانه در ارتباط با ادراک ریسک زلزله

اولویت بندی شاخص ها	ضریب معناداری	آماره T	ضرایب استاندارد شده		شاخص	سطح
			Beta	Std.Error		
۵	۰/۰۰۰	۱/۱۴۶	۰/۰۹۹	۰/۰۳۲	نوع دوستی	فردی - خانوادگی
۱	۰/۰۰۰	۲/۹۴۹	۰/۲۳۷	۰/۰۲۷	مشارکت و تعاون	
۳	۰/۰۰۰	۲/۵۸۰	۰/۲۲۸	۰/۱۲۴	اعتماد	
۲	۰/۰۰۰	۳/۱۶۱	۰/۲۳۲	۰/۰۹۸	باورهای دینی	
۴	۰/۰۰۲	-۱/۳۳۱	۰/۱۱۰	۰/۰۵۲	رضایتمندی و تعلق به محله	
۳	۰/۰۱۰	۰/۶۳۶	۰/۰۶۴	۰/۰۹۵	تعامل و تأثیرگذاری	سازمانی - نهادی
۱	۰/۰۰۰	۳/۱۵۰	۰/۴۲۹	۰/۱۲۶	مدیریت و ساختار	
۲	۰/۰۰۰	۲/۱۶۱	۰/۲۸۴	۰/۱۵۸	منابع و توانمندی	
۳	۰/۱۲۴	-۰/۷۵۵	۰/۱۴۱	۰/۲۴۱	انسجام	گروه دوام
۲	۰/۰۰۱	۱/۶۳۹	۰/۳۵۱	۰/۲۵۹	مسئولیت پذیری	
۱	۰/۰۰۰	۲/۵۰۲	۰/۴۴۷	۰/۱۸۰	نحوه مدیریت و سازماندهی	
۲	۰/۰۰۰	۲/۸۸۴	۰/۲۵۱	۰/۰۶۲	ارتباط با همسایگان	شبکه اجتماعی
۱	۰/۰۰۰	۳/۹۸۷	۰/۳۸۳	۰/۰۶۲	ارتباط با مساجد	
۳	۰/۰۱۰	-۱/۸۲۶	۰/۱۷۶	۰/۰۶۰	ارتباط با بسیج	
۶	۰/۰۹۵	۰/۰۸۴	۰/۰۰۷	۰/۰۴۲	حمایت خویشان محلی	
۵	۰/۰۰۲	-۰/۵۲۰	-۰/۰۵۶	۰/۰۷۲	حمایت دوستان محلی	
۴	۰/۰۰۰	۱/۵۵۸	۰/۱۵۲	۰/۰۵۹	حمایت همسایگان	

با توجه به ضریب معناداری همانطور که در جدول ۵ مشخص است به جز حمایت خویشان و دوستان محلی در سطح شبکه اجتماعی و انسجام در سطح گروه دوام، مابقی شاخص های سرمایه اجتماعی مرتبط با بحران با مؤلفه ادراک ریسک ارتباط معنادار دارند.

جدول ۶: ضرایب بتای شاخص های سرمایه اجتماعی در سطوح چهارگانه در ارتباط با مهارت رفتاری ریسک

اولویت بندی شاخص ها	سطح معناداری	T آماره	ضرایب استاندارد نشده		شاخص	سطح
			Beta	Std.Error		
۲	۰/۰۰۰	۳/۳۲۳	۰/۲۲۰	۰/۰۸۲	۰/۱۹۱	فردی - خانوادگی
۱	۰/۰۰۰	۳/۱۷۲	۰/۲۸۱	۰/۰۶۸	۰/۲۱۵	
۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۳۱۵	-۰/۰۰۲	
۴	۰/۱۱۶	۰/۰۱۹	۰/۰۰۲	۰/۲۵۰	۰/۰۰۵	
۳	۰/۱۲۶	۱/۲۱۹	۰/۱۱۱	۰/۱۳۳	-۰/۱۶۲	
۲	۰/۰۰۸	۱/۰۴۵	۰/۱۱۷	۰/۱۰۵	۰/۱۰۹	سازمانی - نهادی
۱	۰/۰۰۰	۳/۶۹۶	۰/۵۶۰	۰/۱۳۹	۰/۵۱۵	
۳	۰/۰۰۱	۰/۲۴۵	۰/۰۳۶	۰/۱۷۵	-۰/۰۴۳	
۳	۰/۰۰۹	۰/۶۱۲	۰/۱۱۵	۰/۲۸۷	۰/۱۷۶	گروه دوام
۲	۰/۰۰۰	۱/۳۳۶	-۰/۲۸۷	۰/۳۰۹	۰/۴۱۳	
۱	۰/۰۰۱	۱/۹۳۹	-۰/۳۴۸	۰/۲۱۴	۰/۴۱۶	
۴	۰/۲۲۰	۱/۲۳۱	۰/۱۱۰	۰/۰۹۷	۰/۱۲۰	شبکه اجتماعی
۱	۰/۰۲۳	۲/۲۸۹	۰/۲۲۵	۰/۰۹۷	۰/۲۲۳	
۶	۰/۸۷۱	۰/۱۶۲	۰/۰۱۶	۰/۰۹۴	۰/۰۱۵	
۲	۰/۰۱۸	۲/۳۹۶	۰/۱۹۱	۰/۰۶۷	۰/۱۶۰	
۵	۰/۷۹۵	-۰/۲۶۰	۰/۰۲۹	۰/۱۱۴	-۰/۰۳۰	
۳	۰/۲۱۵	۱/۲۴۴	۰/۱۲۴	۰/۰۹۳	۰/۱۱۵	

در خصوص ارتباط معنادار شاخص ها باید بیان کرد که مؤلفه مهارت رفتاری نسبت به بحران، با توجه به جدول ۶ به جز در سطح شبکه اجتماعی و شاخص های باورهای دینی و رضایتمندی و تعلق به محله در لایه فردی مابقی واجد ارتباط معناداری می باشند.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

پس از تحلیل داده ها، نتایج حاصل به صورت راهکارهایی در راستای ارتقاء و توانمندسازی مدیریت ریسک بحران اجتماع محور ارائه خواهد شد. منطق تاب آوری و رویکردهای متخذ از آن ایجاد نوعی هوشمندی در لایه های مختلف اجتماع است، تا با ایجاد نوعی هم راستایی در لایه های مختلف، چرخه تشخیص و بهبود در جامعه به طور خود جوش و درون زا شکل بگیرد.

اولین مرحله برای برنامه ریزی اجتماع محور داشتن یک چارچوب تشخیصی مناسب برای انتخاب و غربالگری ویژگی ها و مسأله های اجتماعات محلی در یک منطقه است. بر اساس مدل تحلیلی ارائه شده در این پژوهش، می توان یک برنامه پیمایش عمومی در سطح شهر تهران طراحی و اجرا کرد تا در هر یک سطوح میزان تاب آوری مشخص و زمینه اطلاعاتی لازم برای برنامه ریزی های بعدی ایجاد شود. به این ترتیب:

- در سطح فردی و خانوادگی به عنوان واحدهای پایه ساخت اجتماع محلی توزیع ویژگی هایی مانند انگیزه، نگرانی از آینده، یاری گیری، مشارکت پذیری، دانش و مهارت های مرتبط، باورها و ارزش های دینی و اجتماعی در سطح محله ها مورد بررسی قرار گرفته و سیاست های لازم آموزشی، رسانه ای و توسعه مشارکت با رویکرد اجتماع محور طراحی و اجرا شود.

- در سطح گروهی تشکیل و تقویت گروه های اجتماعی نظیر دوام به عنوان یکی از واحدهای اجتماعی از دیگر سیاست هایی است که باید در دستور کار قرار گیرد.

- گردآوری افرادی که ظرفیت‌ها و توانایی‌های فکری- روحی و جسمی در موقع بروز بحران را داشته باشند.
 - بالابردن انسجام گروهی با گزینش مناسب اعضای گروه دوام و دسته بندی همگن.
 - پراکنش مناسب و ترجیحاً یکدست عضوگیری در سطح محله.
 - ایجاد جلسات گروهی محلی با تکیه بر اهمیت کمک به هم‌نوع در حین وقوع بحران.
- در سطح سازمانی نهادی تقویت نهادهای غیردولتی مانند شوراییاری در زمینه مدیریت بحران به عنوان نهاد واسطه میان مردم و نهادهای درگیر از دیگر سیاست‌هایی است که باید به صورت جدی در این سطح پیگیری شود. مهم‌ترین اقدامی که طی سال‌های اخیر در سطح کلان مدیریت شهری صورت گرفته است، ایجاد سازمان مدیریت بحران می باشد که سعی دارد سازمان اجتماعی مدیریت بحران را توسعه و تعمیق بخشد. برای اینکه نهادها و سازمان‌های شهری و محلی بتوانند از عهده وظایف خود به خوبی برآیند، اطلاع‌رسانی از فرآیندها و شرح وظایف سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های مربوط به مدیریت بحران و ارتقاء آگاهی از ضرورت وجود آن‌ها نباید مغفول واقع شود. در این صورت انگیزه ساکنین برای مشارکت در فعالیتهای سازمان‌ها و نهادهای خرد و کلان اجتماعی در زمینه مدیریت بحران افزایش خواهد یافت. شهرداری به عنوان مهم‌ترین نهاد عمومی باید برنامه‌ریزی توسعه محلی، اصلاح بافت و مدیریت بحران را تلفیق کرده و با مدیریت یکپارچه شهری فعالیت‌های زیر را محقق کند:
- تهیه مقررات و چارچوب ساخت و ساز ایمن با توجه به مطالعات و طرح‌های مدیریت بحران
 - نظارت مستمر بر فعالیتهای ساخت و ساز و تأکید بر ایمن‌سازی بناها
 - شناسایی ابنیه و پهنه‌های آسیب‌پذیر کالبدی در مقابل زلزله و ارائه طرح‌های موضعی
- در سطح شبکه‌های اجتماعی تحلیل و بررسی این سطح بسیار کلیدی می باشد. شناسایی و درک روابط اجتماعی محلی و ساختارهای قدرت، بین‌کنشگران مختلف فردی، گروهی و نهادی (در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و غیره) بسیار مهم و ضروری است. اهمیت شبکه‌های اجتماعی با توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات روز به روز در حال افزایش است. تحلیل شبکه بر رابطه بین اجزاء تأکید زیادی دارد. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تحکیم روابط بین نهادهای مختلف در حوزه مورد مطالعه از ضرورت زیادی برخوردار است. به عنوان مثال با وجود داشتن مساجد و هیأت‌های مذهبی متعدد و فعال، شناسایی و درک روابط اجتماعی محلی و ساختارهای قدرت، گروه‌های اقتصادی کلیدی و غیره بسیار مهم و ضروری خواهد بود و به طور کلی رسالت این مرحله از فرآیند، ایجاد ارتباط و اعتماد به مردم محلی است و هنگامی که این ارتباط ایجاد شد باید اقدام به بازشناسی موقعیت عمومی اجتماع از جهات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انجام پذیرد. رابطه و همکاری درخوری بین آن‌ها در مواجهه با مسائل اجتماعی وجود ندارد.

پی‌نوشت

1. Risk
2. Vulnerability
3. Resiliency
4. Force bound
5. Local Community
6. Community
7. Community Development

References

- Aberquez, I., Murshed, Z. (2006). *Field Practitioners' Handbook. Klong Luang, Pathumthani: Asian Disaster Preparedness Center (ADPC)*.
- Ahmadzadeh Nanva, H. (2008). *Measurement and Evaluation of Social Capacity in the Process of Renovation and Revitalization of Inefficient Urban Neighborhoods*. Master's Thesis, Faculty of Art and Architecture, Department of Urban Development, Tarbiat Modarres University.
- Davis, I., Izadkhah, Y. (2006). Building Resilient Urban Communities. *Article from OHI*, 31(1), 11-21.
- Folke, C. (2006). Resilience: The Emergence of a Perspective for Social Ecological Systems Analyses. *Global Environmental Change*. 16(3), 253-267.
- L.Cutter, S., Barnes, L., Berry M., Burton, C., Eans, E., Tate, E., Webb, J. (2008). A Place-based Model for Understanding Community Resilience to Natural Disasters, *Global Environmental Change*, 18, 598-606.
- Manyena Siambabala, B. (2006). *The Concept of Resilience Revisited, Research Associate, Disaster and Development Centre, School of Applied Sciences, Northumbria University, UK*.
- Motahari, Z. (2011). *The Effectiveness of Community-based Approach in Crisis Management in Urban Areas, Case Study: Deilaman Neighborhood District 20 of Tehran*. Master's Thesis, Faculty of Art and Architecture, Department of Urban Development, Tarbiat Modarres University.
- Pirbabaei, M. (2004). Capacity Building for Local Development. *Review Conference on Community Development*, Tehran, Tehran Municipality Cultural and Social Affairs Research Center.
- Yodmani, S. (2000). Disaster Risk Management and Vulnerability Reduction: Protecting the Poor. *Paper Presented at the Asia and Pacific Forum on Poverty Organized by the Asian Development Bank*.
- Wakely, P. (2008). Capacity Building for Better Cities. Dpuneews, *Journal of the Development Planning Unit*, London: University College.

